



بسیاری از پژوهشگران بین‌المللی و فعالان حقوق بشر، هاسبارا را نامی تلطیف شده برای «پروپاگاندای دولتی» می‌دانند که با اطلاعات گمراه‌کننده، مشروعیت بخشی به اشغال و به‌حاشیه‌راندن روایت فلسطینیان، در پی شکل‌دهی به افکار عمومی جهانی به نفع سیاست‌های حاکمیت جعلی اسرائیل است.

ساختار، ارکان و فرآیندهای عملیاتی «مقر ملی هاسبارا»

«مقر ملی هاسبارا» به‌عنوان نهاد عالی هماهنگ‌کننده و سیاست‌گذار در حوزه تبلیغات، دیپلماسی عمومی و جنگ شناختی رژیم صهیونیستی، ذیل دفتر نخست وزیری فعالیت می‌کند. ساختار تصمیم‌گیری و فرآیند کاری این نهاد بر پایه‌ی یک هم‌افزایی ارگانیک و گفتگوی مداوم در قالب «تیم‌های تخصصی محدود» استوار است که ترکیبی از مدیران ارشد هاسبارا، دستیاران و افسران اطلاعاتی (به ویژه دستیار اطلاعاتی منشی نظامی نخست‌وزیر)، دیپلمات‌ها و شخص نخست وزیر را شامل می‌شود. وظیفه و مأموریت بنیادین این مقر، ترجمه و تبدیل داده های خام، پیچیده و طبقه‌بندی‌شده جامعه اطلاعاتی به خروجی‌های ادراکی، طراحی خطوط پیام‌رسانی راهبردی و تدوین ابزارهای کمک‌رسانه‌ای بصری برای مواجهه با رهبران جهان و افکار عمومی بین‌المللی است. این مقر نقشی محوری در هدایت، تغذیه اطلاعاتی و هم‌راستاسازی سایر بازوهای اجرایی اسرائیل از جمله وزارت امور خارجه، سخنگوی ارتش اسرائیل و وزارت امور استراتژیک برای مقابله با چالش‌های مشروعیت‌زدایی ایفا می‌کند.

فرآیند عملیاتی درون مقر ملی هاسبارا بر مدار یک تعامل میان «تیم‌های اطلاعاتی» و «کارشناسان هاسبارا» مدیریت می‌شود؛ در این روند، هماهنگی های سطح بالا میان نخست‌وزیر و رؤسای جامعه اطلاعاتی انجام می‌گیرد و در امور جاری، دستیاران اطلاعاتی با دستگاه‌های جاسوسی در سطح کارشناسی ارتباط برقرار می‌کنند.

اصول سه‌گانه کاربرد اطلاعات در هاسبارا

۱. **ساده‌سازی پیام:** اطلاعات به خودی خود پیچیده، دارای ظرایف و جزئیات متعدد است. افسران اطلاعاتی تمایل دارند فرآیندها را با تمام جزئیات پیچیده نشان دهند، اما جزئیات زیاد «پیام را می‌کشد». پیام باید گرد، شفاف، کوتاه‌شده و عاری از دوپهلویی باشد؛ به‌عنوان نمونه، چند سال پیش یک ارگان اطلاعاتی پس از عملیات نظامی، محتوایی بسیار مفصل برای مقابله با مشروعیت‌زدایی آماده کرد که آماده‌سازی آن صدها ساعت زمان برد، اما به دلیل حجم سنگین جزئیات و تأخیر زمانی، توسط هاسبارا بایگانی شد.

۲. **سفیدسازی اسرار:** استفاده از اطلاعات طبقه‌بندی‌شده نیازمند تعادل میان سود سیاسی-ادراکی و خطر افشای منابع و روش‌های اطلاعاتی است. سابقه این فرآیند به ۶ ژوئن ۱۹۶۷ (روز دوم جنگ شش‌روزه) بازمی‌گردد که رده سیاسی مکالمه شنودشده میان جمال عبدالناصر و ملک حسین را منتشر کرد تا تبانی

هاسبارا و چالش‌های مشروعیت‌زدایی از اسرائیل

مقدمه



کارزار نفی مشروعیت بین‌المللی از اسرائیل، نبردی است که از زمان اعلام موجودیت این رژیم جریان داشته و در طول سال‌ها ویژگی‌ها و ابعاد گوناگونی به خود گرفته است. برخلاف کارزارهای نظامی متعارف علیه کشورها و موجودیت‌ها (که در آن‌ها مولفه شناختی و ادراکی به‌عنوان یک عنصر مکمل و پشتیبان تلقی می‌شود) کارزار بر سر مشروعیت رژیم صهیونیستی، اساساً و در درجه اول در «بُعد شناختی» مدیریت و اجرا می‌شود. حتی اقدامات ظاهراً ملموس و عینی (نظیر تلاش‌ها برای پیشبرد تحریم‌ها علیه اسرائیل) در واقع با هدف فرسایش پرستیژ عمومی، منزوی ساختن تصویر و تضعیف جایگاه سیاسی آن در عرصه بین‌المللی طراحی شده‌اند؛ فرسایشی که در نهایت به زیر سؤال بردن اصل مشروعیت وجودی اسرائیل به‌عنوان دولت ملت مردم یهود می‌انجامد.

کلان‌روایت غالب کنونی در میان طیف‌های لیبرال و ترقی‌خواه در جهان غرب، نه تنها با اصل وجودی و ماهیت دولت جعلی اسرائیل خصومت دارد، بلکه با پیاله‌ها و بنیادهای فرهنگ غربی و نظم بین‌المللی موجود نیز فرسایش یافته است. پس از جنگ‌های جهانی و به‌ویژه بعد از افشای ابعاد [ادعایی] هولوکاست، فرآیند گسترده‌ای از بازبینی و تشکیک در پیش‌فرض های نظم موجود در غرب شکل گرفت. بر روی این گسست، فلسفه پست مدرنیسم پدید آمد که مفاهیمی چون پسااستعمارگرایی، پساملی‌گرایی و پسا صهیونیسم را در خود جای داده است. طبق این الگوی ادراکی، اسرائیل از نقش «ستم‌دیده» به نقش «ستم‌گر» تغییر موقعیت داده است.

رژیم صهیونیستی اما در برابر این سنخ اقدامات سازوکار معین و گسترده‌ای را با عنوان «هاسبارا» ایجاد کرده است!



بدنه استنادی

پیوند اطلاعات و هاسبارا؛ هماهنگی عالی در سطح به اصطلاح ملی

از ارکان اصلی کارزار شناختی رژیم صهیونیستی، استفاده حداکثری از «اطلاعات طبقه‌بندی‌شده و ارزشمند» به‌مثابه ماده خام برای هاسبارا و دیپلماسی عمومی است. هاسبارا در لغت به‌معنای «توضیح» یا «تبیین» است، اما در کاربرد اصطلاحی به شبکه‌ی رسمی و غیررسمی دیپلماسی عمومی و عملیات روانی اسرائیل اشاره دارد که ریشه در نخستین دهه‌های شیوع صهیونیسم دارد و امروزه توسط وزارت امور خارجه، دفتر نخست وزیری و سخنگوی ارتش (پیش‌تر با وزارت مستقل امور راهبردی و هاسبارا) هدایت می‌شود. حوزه فعالیت این دستگاه شامل توجیه بین‌المللی عملیات نظامی، مقابله با کارزارهای تحریم (BDS)، سازمان‌دهی داوطلبان دیجیتال، آموزش سخنگویان دانشجویی در دانشگاه‌های خارجی و تولید محتوای هدفمند در شبکه‌های اجتماعی است. البته که منتقدان، از جمله



نتیجه گیری

کارزار پیرامون مشروعیت بین‌المللی اسرائیل، مصداق یک «جنگ فرسایشی» مستمر و بلندمدت است. شکاف پدیدآمده میان دولت‌های غربی و افکار عمومی جوامع متبوع آن‌ها، به‌ویژه گسست بین‌نسلی در میان نخبگان آتی غرب، تهدیدی راهبردی و جدی علیه امنیت اسرائیل محسوب می‌شود. در مجموع جامعه‌ی امنیتی اسرائیل، به‌منظور مواجهه با این شرایط، بازطراحی راهبردها مبتنی بر اصول و مؤلفه‌های زیر را توصیه می‌کند که مستلزم طراحی اقدامات هماهنگ و توئمان از سوی جامعه‌ی امنیتی و رده‌های عمل‌کننده‌ی شناختی خودی، است:

۱. راهبرد «خیمه فراگیر»: توسعه دایره متحدان و جذب طیف‌های لیبرال و میانه‌رو در غرب، همراه با ایجاد تمایز قاطع میان «منتقدان مشروع سیاست‌های اسرائیل» و «هسته سخت مشروعیت‌زدایان» که موجودیت اسرائیل را به‌طور بنیادین نفی می‌کنند.
۲. راهبرد ایمن‌سازی و واکسیناسیون شناختی: مصون‌سازی پیش‌دستانه نخبگان، مراجع تصمیم‌گیر و مخاطبان بی‌طرف پیش از مواجهه با پیام‌های شبکه‌های معارض.
۳. انطباق کارزار با رویکرد «قدرت هوشمند»: تلفیق توانمندی‌های سخت اطلاعاتی و نظامی با ابزارهای نرم دیپلماتیک و رسانه‌ای و برقراری مدیریت یکپارچه و هماهنگی راهبردی میان وزارت امور خارجه، دستگاه‌های اطلاعاتی و شبکه جوامع مدنی صهیونیستی.
۴. پیوند دوباره‌ی کلان‌روایت صهیونیسم با منظومه ارزش‌های غربی: طراحی یک کارزار ایجابی بلندمدت با هدف بازنمایی روایت صهیونیستی، نه صرفاً از دریچه «مظلوم‌نمایی / قربانی‌بودن» یا «توان دفاعی»، بلکه از منظر پیوند ارگانیک با ارزش‌های آزادی، نوآوری و حقوق بشر برای افکار عمومی جهان.

آن‌ها برای وارد کردن شوروی به جنگ خنثی شود، با وجود آنکه سرلشکر آهارون یاریو (رئیس وقت امان) به شدت با افشای آن مخالف بود. نتایج در توصیف این ارجحیت جمله‌ای معروف دارد: «ما کشوری هستیم که اطلاعات دارد، نه اطلاعاتی که یک کشور دارد»!

۳. پابندی به تناسب و دیالوگ حرفه‌ای: فرد رسانه‌ای به دنبال پیشبرد سیاست است و تمایل دارد داده‌های مغایر با سیاست را حذف کند، در حالی که فرد اطلاعاتی متعهد به واقعیت کامل است. محصول نهایی حاصل دیالوگ و کشمکش میان این دو دیدگاه است.^۲

نمونه‌های عملیاتی برجسته از هاسبارا مبتنی بر افشای اطلاعاتی

۱. رونمایی از آرشیو هسته‌ای ایران (۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۷)
 ۲. افشای در مجمع عمومی سازمان ملل (۵ مهر ۱۳۹۷)
 ۳. اسلایدسجی و مصورکردن داده‌های اطلاعاتی
- مقر ملی هاسبارا به دستور نخست‌وزیر یک پرزنتیشن ویدئویی/اسلایدی پویا شامل موارد زیر تدوین کرده که به‌صورت روزانه بر اساس آخرین داده‌های جامعه اطلاعاتی به‌روزرسانی می‌شود.
- تثبیت نظامی ایران در سوریه.
 - نفوذ ایران و داعش در خاورمیانه.
 - برد موشک‌های در حال توسعه ایران.
 - خنثی‌سازی عملیات‌های تروریستی در کشورهای جهان به دست اطلاعات اسرائیل.
 - استقرار حزب‌الله در جنوب لبنان و ارتش تروریستی حماس.
- اصل حاکم بر طراحی این اسلایدها «آزمون نگاه خاطف» است؛ یعنی هر اسلاید تنها حامل یک پیام واحد، کم‌متن، کاملاً بصری و بدون داده‌های اضافی است تا در کسر از ثانیه در ذهن رهبران جهان حک شود.

اقدامات و ظرفیت‌های وزارت امور خارجه اسرائیل

وزارت امور خارجه دولت جعلی اسرائیل نیز به‌مثابه یکی از ارکان هاسبارا و پیشگامان دیپلماسی دیجیتال در جهان، بیش از ۸۵۰ حساب رسمی را در پلتفرم‌های مختلف (شبکه‌های اجتماعی، پیام‌رسان‌ها و وبسایت‌ها) به بیش از ۵۰ زبان (از جمله عربی و فارسی) مدیریت می‌کند.

نوعام کاتس (سفیر اسرائیل در یونان) در مصاحبه‌ای با حییم واکسمن (معاون مرکز پژوهش‌های سیاسی واخ اسرائیل) و دانیل کوهن (پژوهشگر ارشد مرکز میان رشته‌ای بلاواتیک و مرکز ضدتروریسم سیاسی ابا ابان) فاش می‌کند که وزارت امور خارجه اسرائیل از طریق تعامل مستقیم با غول‌های فناوری، تلاش می‌کند «جعبه ابزاری» برای دیپلمات‌ها ایجاد کند تا هم توان توزیع پیام صهیونیستی افزایش یابد و هم حرکت پیام‌های مخرب و ضداسرائیلی دشمن کند و مسدود شود.^۳

۲. ویتیکای، یدو، ۲۰۱۸: ۷.

۳. وکسمن، حییم، ۲۰۱۸: ۷.